

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چند معنا در قانون اساسی

عنوان پژوهش

بررسی واژه «مقررات»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۱۶۱

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱



شناسنامه

عنوان:

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چندمعنا در قانون اساسی
بررسی واژه «مقررات»

مؤلف:

حسین آیینه نگینی

ناظر علمی:

حامد نیکونهاد

دفتر مطالعات قانون و قانون گذاری

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۱۶۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

درآمد.....	۲
۱- «مقررات» در مفهوم هنجارهای الزام‌آور و خارج از شمول «قانون» در معنی مصوبات مجلس.....	۳
۲- «مقررات» در مفهوم مصوبات شوراهای محلی.....	۵
۳- «مقررات» در معنی مصوبات قوه مجریه.....	۶
۳-۱. «مقررات» در بردارنده مصوبات برخی از ارکان قوه مجریه.....	۷
۳-۲. «مقررات» در مفهوم مصوبات قوه مجریه فارغ از مرجع و مقام واضح.....	۷
۴- «مقررات» در مفهوم برابر با قانون عادی.....	۸
۵- «مقررات» به عنوان صورت جمع واژه «مقرره».....	۱۰
۶- «مقررات» در مفهوم احکام شرع.....	۱۰
یادداشتها.....	۱۴

درآمد

دانش واژه «مقررات» از جمله مشترکات لفظی در اصول قانون اساسی است که در اصول متعددی از قانون اساسی (اصول ۴، ۹، ۱۰، ۱۲، ۸۵، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۳۸، ۱۵۶، ۱۷۰ و ۱۷۷) با مفهوم، کاربرد و قلمرو متفاوت آمده است. استفاده از مشترکات لفظی در اصول قانون اساسی از جمله موضوعات زبان‌شناختی است که نه تنها مفسر را در تفسیر قانون اساسی با مشکل مواجه می‌کند، بلکه عدم بررسی و پژوهش دقیق پیرامون این واژگان در هر یک از اصول قانون اساسی می‌تواند دست‌مایه تفاسیر ناروا و ناموزون از اصول قانون اساسی شود و در نتیجه زمینه استناد و استفاده نابجا از این متن قانونی را فراهم آورد. این مسئله در اصول قانون اساسی از چنان اهمیتی برخوردار است که ترجیح یک معنی بر سایر معانی راجع به یک واژه در یک اصل می‌تواند در مقصود و محتوا، شمول و مصادیق و حتی مخاطبان یک اصل مؤثر واقع شود.

مفهوم‌شناسی کلیدواژه «مقررات» نیز همچون سایر مشترکات لفظی در هر یک از اصول قانون اساسی می‌تواند کمک شایانی به تفسیر مناسب و منطبق با شاکله نظام حقوقی کشور باشد و از تفاسیر غیرهمگون و بعضاً ناروا از اصول قانون اساسی جلوگیری نماید.

واژه «مقررات» جمع «مقرره» و در لغت به مجموعه قواعدی که برای ایجاد نظم در جایی وضع می‌شود یا مجموعه اصولی که برای جریان امور مؤسسه‌ای عملاً اجرا می‌شود بدون این که جنبه قانونی داشته باشد اطلاق شده است. (معین، ۱۳۸۸: ۴۲۱۵ و انوری، ۱۳۸۶: ۷۲۶۱). نویسندگان حقوقی بین دو معنای عام و خاص این دانش واژه قائل به تفکیک شده‌اند. به این صورت که در مفهوم خاص، این واژه را به هنجارهای حقوقی غیر از مصوبات مجلس (قانون به معنی خاص) اطلاق کرده‌اند؛ در مقابل و در معنای عام این واژه را دربردارنده هنجارهای حقوقی چون قانون، تصویب‌نامه و آیین‌نامه و سایر هنجارهای الزام‌آور حقوقی دانسته‌اند. همچنین این دانش واژه به مجموعه قواعدی کلی، نوعی و الزام‌آوری که برآمده از ضرورت‌های اداره امور توسط مقامات اداری بوده یا با هدف ایجاد زمینه اجرای قانون وضع می‌شود نیز اطلاق شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۶۹، موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵، عباسی، ۱۳۹۰: ۴۸ و امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۹)

امروزه این واژه عمدتاً به مصوبات نهادهای خارج از مجلس و به ویژه مصوبات ارکان قوه مجریه اطلاق می‌شود که ریشه تاریخی این معنا را باید مقارن با تولد اصل

تفکیک قوا در نظام حقوقی ایران دانست. قبل از این دوره در بسیاری از دوره‌های تاریخی، عدم تفکیک واضح بین مقام مقنن و مجری و خلاصه شدن این شئون در شخص شاه مانع از سخن پیرامون مقررات و مقررات‌گذاری در معنی غالب امروزی می‌گردید. اما با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و در پی آن تصویب قانون اساسی مشروطه و متمم آن (۱۲۸۵ و ۱۲۸۶) بود که قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه از یکدیگر مستقل شدند (اصل ۲۷ متمم قانون اساسی). در نتیجه از این دوره به بعد است که می‌توان از مقررات و مقررات‌گذاری در این مفهوم سخن به میان آورد. مسئله‌ای که در برخی از اصول متمم قانون اساسی مشروطه همچون اصل ۴۹ که صلاحیت صدور احکام مربوط به قوانین را به شخص شاه واگذار کرده بود نیز ظهور و بروز یافت (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۶۳، طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۶، امین، ۱۳۹۱: ۸۳، ۸۸ و ۳۰۱، وفادار، ۱۳۷۴: ۳۲۲)

به نظر می‌رسد در ادبیات حقوقی این واژه در چهار مفهوم، شامل مفهوم اعم (هر متن دارای ضمانت اجرا در نظام حقوقی)، عام (همه هنجارهای حقوقی به استثنای «قانون» به عنوان مصوبه قوه مقننه)، خاص (مصوبات قوه مجریه) و اخص (مصوبات هیأت دولت^۱) به کار می‌رود. اما در اصول قانون اساسی این واژه در مفاهیم زیر استفاده شده است.

۱- «مقررات» در مفهوم هنجارهای الزام‌آور و خارج از شمول «قانون» در معنی مصوبات مجلس

در برخی از اصول قانون اساسی «مقررات» پوشش دهنده آن گروه هنجارهایی است که در شمول قانون (مصوبات مجلس) قرار نمی‌گیرند. تتبع در شواهد و ادله موجود که به اختصار در ادامه خواهد آمد نشان خواهد داد که در اصول ۲۴، ۹، ۳، ۱۰ و ۱۷۷^۲ «مقررات» به این معنا به کار رفته است.

با توجه به مفاد مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی^۳ راجع به اصل ۴، هدف غایی از درج این اصل در قانون اساسی، ابتدائی همه هنجارهای حقوقی بر موازین شریعت اسلام است؛ موضوعی که از سیاق عبارات اصل نیز می‌توان آن را استخراج کرد. علاوه بر این مذاکرات یادشده این مطلب را می‌رساند که «قانون» در این اصل در معنی خاص مصوبات مجلس استفاده شده است. بر این اساس حصول به غایت تعریف شده برای اصل ۴ ملازمه با تفسیر عام «مقررات» (همه هنجارهای حقوقی به استثنای مصوبات

مجلس) در این اصل دارد در غیر این صورت غایت این اصل به صورت تام حاصل نخواهد شد. (منتظری، پرورش، حجتی کرمانی، طاهری اصفهانی اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۴: ۳۱۵-۳۲۵ و ۳۴۵-۳۵۷)

علاوه بر این در برخی از نظرات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی) و نظرات فقهای شورا در پاسخ به استعلامات رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز قلمرو و حدود این واژه در اصل ۴ مشخص شده است.

مدلول نظر شورای نگهبان در نظر تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳^۷ حاکی از آن است که این شورا مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام را نیز در چهارچوب و تابع احکام مندرج در اصل ۴ قرار داده است. این در حالی است که با توجه به قرائن و شواهدی همچون مفهوم خاص «قانون» در این اصل (مصوبات مجلس)، اختصاص قانون گذاری و اعمال قوه مقننه به مجلس در نظام حقوقی کشور (اصل ۵۸)، جایگاه و صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام (برآمده از اصل ۱۱۲)، مشروح مذاکرات پیرامون تشکیل این نهاد در بازنگری قانون اساسی (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۶۹: ج ۳: ۱۵۱۲-۱۵۶۱) و مفاد نامه حضرت امام (ره) راجع به تشکیل مجمع، (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۴۶۳-۴۶۵) نمی توان مصوبات این نهاد را، اگرچه لازم الاجرا هستند، به صورت عام در شمول مصادیق دانش واژه «قانون» مندرج در این اصل قرار داد. لذا این مصوبات در شمار مصادیق واژه «مقررات» قرار می گیرند.

علاوه بر این فقهای شورای نگهبان در مقام پاسخ به استعلامات رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مورد مغایرت یا عدم مغایرت مصوباتی با عناوین گوناگونی چون آیین نامه، تصویب نامه، بخش نامه و مصوباتی از این قبیل که توسط نهادها و مقامات مختلفی چون ارکان قوه مجریه^۸، نهادهای عمومی غیردولتی^۹، نهادهای زیرمجموعه قوه قضائیه^{۱۰} وضع شده اعلام نظر کرده اند. این موضوعات حاکی از قرار گرفتن این قبیل مصوبات در شمار مصادیق «مقررات» در این اصل است.^{۱۱}

مضاف بر مصادیق یادشده، آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری نیز بنا بر ویژگی ها و آثاری چون غیرشخصی بودن، کلیت و استمرار در شمار هنجارهای تنظیم کننده امور جامعه بوده و باید منطبق بر موازین اسلام مندرج در اصل ۴ باشند. اما از آنجا که «قانون» در این اصل در معنی خاص مصوبات مجلس به کار رفته است، نمی توان این آراء را در شمول «قانون» دانست بلکه باید شمول «مقررات»

را بر این هنجارها گستراند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۱۲).

واژه «مقررات» در آن بخش از اصل ۱۷۷ که مفاد اصول راجع به «ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلام» را از تغییر و تحول حراست کرده است نیز برآمده از اصل ۴ و در همین معنی آمده است.

راجع به واژه «مقررات» در اصل ۱۰ نیز در پیش‌نویس مطرح شده راجع به این اصل در مجلس بررسی نهایی، این واژه در کنار اصطلاح «برنامه‌ریزی‌ها» آمده بود. بر این اساس در آن متن واژه «مقررات» در مفهوم عام و دربردارنده مصادیق «قانون» نیز بود؛ امری که در مذاکرات پیرامون این اصل به آن اشاره شده است. اما در ادامه مذاکرات، به منظور وضوح مطلب واژه «قانون» به متن اصل افزوده شد (بهشتی، اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ج ۱: ۴۳۳-۴۴۵) این موضوع (اضافه شدن مفهومی خاص به مفهومی عام) حاکی از استفاده «قانون» در معنای خاص مصوبات قوه مقننه و استفاده از «مقررات» در مفهوم عام در این اصل است.

علاوه بر این در ادبیات حقوقی ایران مستند به اصل ۵۸^{۱۲}، استفاده از «قانون» مصوبات قوه مقننه را به ذهن متبادر می‌کند، مگر این که شواهد و قرائنی سبب شود تا از «قانون» معنایی غیر از مصوبات قوه مقننه استفاده شود. بنابراین تا زمانی که قرینه‌ای مبنی بر این مسئله وجود نداشته باشد «قانون» را باید در مفهوم خاص و معرف مصوبات مجلس دانست. بر اساس این مطلب فلسفه ذیل اصل ۹ که حکمی مطلق در ممنوعیت سلب آزادی‌های مشروع بیان می‌کند در صورتی برآورده خواهد شد که سلب آزادی‌های مشروع در قالب هیچ سندی امکان‌پذیر نباشد. این منظور در صورتی برآورده خواهد شد که «مقررات» در این اصل شامل هرگونه سندی که در شمول عنوان «قانون» به معنای خاص قرار ندارد باشد.

۲- «مقررات» در مفهوم مصوبات شوراهای محلی

مستند به اصول ۷^{۱۳} و ۱۴۱۰۰ قانون اساسی شوراهای محلی صلاحیت تصمیم‌گیری در امور محلی را دارند. اگرچه طرح این صلاحیت در این اصول به صورت مطلق و شامل همه شوراهای محلی است، اما مقتضیات و ویژگی‌های خاص مناطقی که اکثریت اهالی آن را اقلیت‌های مذهبی تشکیل داده است دلیلی بر آن بوده است تا اصل ۱۲^{۱۵} قانون اساسی این صلاحیت را برای شوراهای این مناطق به

خاص بیان کند. بنابراین در عبارت «مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها» مندرج در اصل ۱۲ واژه «مقررات» دربردارنده آن گروه مصوباتی است که از سوی شوراهای محلی در این مناطق وضع می‌شود. موضوعی که هم مذاکرات مجلس بررسی نهایی به عنوان مظهر بروز اراده مقنن اساسی و هم چرایی و فلسفه تشکیل شوراهای محلی مؤید آن می‌باشد. با این شرح که در مجلس بررسی نهایی پیرامون عبارت «مقررات محلی»، عمدتاً از ضرورت توجه به مقتضیات محلی، جغرافیایی و مذهبی این مناطق سخن به میان آمده است. مثال‌های ذکر شده به عنوان مصداق این عبارت در آن مجلس نیز برآمده از لزوم توجه به این ضرورت‌هاست؛ موضوعی که به یقین از سوی افراد منتخب محل و آشنا با مسائل و ضرورت‌های این مناطق، بهتر می‌تواند جامه عمل بپوشد. علاوه بر این، تعریف ارائه شده از عبارت «مقررات محلی» در آن مجلس که این عبارت را معرف موضوعاتی می‌داند که بر اساس قانون به اعضای شوراهای محلی اجازه تصمیم‌گیری پیرامون آنها داده می‌شود نیز ادله مفهوم یادشده از این عبارت را تقویت می‌کند. (بهشتی، مکارم اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ج ۱: ۴۵۵ - ۴۷۲)

مضاف بر این، توجه به فلسفه وجودی شوراهای محلی از جمله توجه به مقتضیات اداره امور محلی، اراده مردم در تنظیم امور محلی و آرای اکثریت مردم مناطق نیز مؤیدی بر دلالت «مقررات» بر مصوبات وضع شده از سوی شوراها در این مناطق دارد؛ چرا که همه این موارد با تصمیم‌گیری افرادی آشنا با موضوعات و شرایط امور محلی و نیز منتخب اهالی آن مناطق است که به صورت کامل برآورده می‌شود. موضوعی که می‌توان آن را یکی از دلایل قرار گرفتن شوراها به عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیر در نظام حقوقی کشور نیز قلمداد کرد. (اصول ۷ و ۱۰۰)

۳- «مقررات» در معنی مصوبات قوه مجریه

واژه «مقررات» در برخی از اصول قانون اساسی معرف مصوبات ارکان قوه مجریه همچون هیأت دولت، هر یک از وزیران، شوراهای موجود در قوه مجریه و سایر نهادها و مقامات صالح در مقررگذاری این قوه است. البته در همه این اصول دایره مصادیق این واژه یکسان نبوده و مصادیق واحدی را دربر نمی‌گیرد. این مهم از بررسی اصولی که «مقررات» در آنها با این مضمون آمده است (اصول ۱۳۸ و ذیل اصل ۱۷۰) استخراج می‌شود.

۳-۱. «مقررات» در بردارنده مصوبات برخی از ارکان قوه مجریه

«مقررات» در اصل ۱۳۸^{۱۶} در مفهوم مصوبات هیأت وزیران، هر یک از وزرا و نیز کمیسیون مرکب از چند وزیر به کار رفته است. موضوعی که مؤید آن را می‌توان در مذاکرات مجلس بررسی نهایی پیرامون این اصل یافت. در مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی پیرامون اصل ۱۳۸ نمایندگان صرفاً به تحلیل آیین‌نامه (اعم از آیین‌نامه وزارتی، و هیأت وزیران اعم از آیین‌نامه مستقل و آیین‌نامه اجرایی)، تصویب‌نامه هیأت وزیران و «بخش‌نامه وزارتی» مذکور در اصل ۱۳۸ پرداخته‌اند. (بهشتی، یزدی، ربانی شیرازی: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ج ۲: ۱۳۰۵) و در بازنگری قانون اساسی حاکمیت قانون بر این مصوبات از طریق نظارت غیرقضایی (رئیس مجلس) تضمین شد. (مؤمن، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۶۹: ۱۶۰۴)

علاوه بر این، دقت در قرائن زبان‌شناختی موجود در این اصل از جمله همراه شدن «مقررات» با اسم اشاره نزدیک «این» که اشاره به مقررات احصا شده در صدر این اصل دارد، خود گواه صادقی بر استعمال «مقررات» در مفهوم مصوبات نهادهای مندرج در این اصل است. مؤید این بیان را می‌توان در رویه اساسی رئیس مجلس در انجام مسئولیت نظارت بر مصوبات دولتی (قوه مجریه) موضوع ذیل اصل ۱۳۸ نیز یافت، چرا که بررسی این مستندات^{۱۷} حاکی از این است که رئیس مجلس مستند به قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن صرفاً به نظارت بر مصوبات هیأت دولت (آیین‌نامه و تصویب‌نامه) و کمیسیون‌های مرکب از چند وزیر پرداخته است.

۳-۲. «مقررات» در مفهوم مصوبات قوه مجریه فارغ از مرجع و مقام واضح

در اصل ۱۷۰^{۱۸} کلیدواژه «مقررات» مصوبات همه ارکان قوه مجریه از جمله شخص رئیس‌جمهور، هر یک از وزیران، هیأت وزیران شوراهای ایجاد شده در بدنه این قوه از جمله شورای عالی اداری، رئیس کل بانک مرکزی و سایر مقامات این قوه که صالح در وضع مصوبات هستند را شامل می‌شود. این مهم در مذاکرات مربوط به ذیل اصل ۱۷۰ در مجلس بررسی نهایی در پوشش اصل سلسله مراتب میان هنجارهای حقوقی بیان شده است؛ با این توضیح که نمایندگان آن مجلس، مفاد مقررات و مصوبات قوه مجریه را به عنوان هنجار مادون قانون چهارچوب‌بندی کرده و مضاف بر

این حاکمیت قانون بر این مصوبات و رعایت آن را از طریق نظارت قضایی (دیوان عدالت و قضات دادگاه‌ها) تضمین کرده‌اند. (آیت، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۶۴: ج ۳: ۱۶۵۶) علاوه بر این اگرچه در عبارت ذیل اصل ۱۷۰ واژه «مقررات» صرفاً به مصوبات قوه مجریه محدود نشده است، اما ذکر اصطلاح قوه مجریه در این اصل شورای نگهبان را بر آن داشت تا در نظریه تفسیری شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ از این اصل، «مقررات» را به مصوبات قوه مجریه محدود بداند. این نظریه از سوی مرجع و نهاد صالح در تفسیر قانون اساسی ادعای مطرح شده راجع به «مقررات» در این اصل را تأیید می‌کند.^{۱۹}

۴- «مقررات» در مفهوم برابر با قانون عادی

یکی از موارد کاربرد «مقررات» در اصول قانون اساسی استفاده از این واژه در مفهومی برابر با قانون عادی است. در این معنی «مقررات» مصادیق قوانین عادی را دربرمی‌گیرد. منطوق اصول قانون اساسی و شواهد روشنگری چون مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، بیانگر این نکته‌اند که از مجموع موارد استعمال «مقررات» در اصول قانون اساسی این واژه دو مرتبه، در ذیل اصل ۸۵ و بند ۴ اصل ۱۵۶^{۲۰} و در این مفهوم استفاده شده است. البته در هر یک از این موارد حدود و دایره مصادیق آن متفاوت است. با این توضیح که ادله لغوی و شواهد موجود دال بر این است که در اصل ۱۵۶ این واژه صرفاً معرف قوانین‌گیری در بردارنده قواعد شرعی جزایی (به استثنای قوانین مربوط به حدود شرعی) بوده اما در ذیل اصل ۸۵^{۲۱} این کلیدواژه همه قوانین عادی را دربر می‌گیرد.

مباحث مطرح شده در مذاکرات شورای بازنگری پیرامون اصل ۸۵ و به ویژه قوانینی که اعضای آن شورا به عنوان مصادیق عبارت «قوانین و مقررات عمومی» بیان کرده‌اند، از جمله قانون تجارت، محاسبات عمومی و قانون کار) شاهدی مثبت، بر استفاده از «مقررات» در مفهوم برابر با قانون در این اصل است. مضاف بر این اعضای این شورا، قانون اساسی را از شمول این عبارت خارج دانسته‌اند. (موسوی، خامنه‌ای، نوری، اداره کل قوانین فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹: ج ۳: ۱۵۷۵-۱۵۸۸)

علاوه بر مباحث موجود در مذاکرات شورای بازنگری پیرامون این موضوع، سیاق عبارت ذیل اصل نیز با اعلام این که «مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد» و «به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور...» تأییدکننده این نکته است که واژه «مقررات» در این اصل بار معنایی خاص و متمایز از «قانون» ندارد. چرا که

این بخش از اصل واژه «قوانین» را جایگزین عبارت «قوانین و مقررات عمومی» کرده و با این بیان عبارت «قوانین و مقررات عمومی» را تفسیر کرده است.^{۲۲}

مؤید دیگر این برداشت رویه رئیس مجلس در انجام وظیفه بررسی مصوبات دولت (اساسنامه‌ها) با «قوانین و مقررات عمومی» است. چرا که رئیس مجلس در انجام این وظیفه صرفاً به بررسی اساسنامه‌های مصوب دولت از جهت عدم مغایرت با «قوانین عادی» بسنده کرده است.^{۲۳}

مضاف بر این نکات در تحدید مصادیق دانش واژه «مقررات» در این اصل به نظر می‌رسد که با توجه به ماهیت حقوقی اساسنامه‌های مصوب دولت، که واجد شأنی فرای آیین‌نامه و مادون قانون هستند در نتیجه نمی‌توان این اسناد را در شمول عبارت «قوانین و مقررات عمومی» مندرج در این اصل گنجانند (مزارعی، ۱۳۹۲: ۴۲ و اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹: ج ۳: ۱۵۸۸ و ۱۱۱۶ و ۱۵۸۲ و پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳/۳/۱۲: ۱۵).

از مجموع شواهد و معانی لفظی و اصطلاحی واژه «مدون»^{۲۴} در بند ۴ اصل ۱۵۶ و نیز مفهوم کلی و موارد استفاده این کلیدواژه در قانون اساسی (از جمله اصل ۱۶۷) به صورت خاص و ادبیات حقوقی کشور به صورت عام معلوم می‌شود که «مقررات مدون» در بند ۴ اصل ۱۵۶ صرفاً قواعدی را شامل می‌شود که بر اساس سیر تقنین در نظام حقوقی کشور تهیه، وضع و امضاء و ابلاغ می‌شود. مضاف بر این در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی نیز همچون سیاق عبارت اصل ۱۶۷ اسناد مکتوب از اسناد مدون تمییز داده شده و بین دو مرحله قبل از تدوین و مدون شدن قواعد و هنجارهای حقوقی تفکیک صورت پذیرفته است و از ضرورت اقدام به تدوین قواعد و هنجارهای حقوقی اسلام سخن به میان آمده است. (بهشتی، خامنه‌ای، تهرانی: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۶۴: ج ۳: ۱۵۷۹-۱۵۸۴ و ۱۶۵۲-۱۶۵۷) نکته دیگر در روشن شدن مفهوم این دانش واژه، در توجه به لغت «حدود» مندرج در بند ۴ اصل ۱۵۶ مستتر است که به معنی قواعد حاکم بر مجازات‌هایی است که میزان و کیفیت آن دقیقاً در منابع فقهی و اسلامی مشخص شده است. موضوعی که در ماده ۲ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز بیان شده است. بر این اساس «مقررات» در این اصل شامل آن گروه قواعد مدونی است که در شمار قواعد مربوط به حدود اسلامی قرار نگیرند. مضاف بر این، مستند به اصل ۳۶ حکم به مجازات و اجرای آن صرفاً با استناد به متون قانونی جایز بوده و علاوه بر این دو مفهوم جرم و مجازات با یکدیگر ملازمند.

این دو مقدمه منتج به ممنوعیت جرم‌انگاری هرگونه فعل و یا ترک فعل در سندی غیر از قانون می‌باشد. بر این اساس باید گفت که نمی‌توان قواعد و مقررات جزایی را در متنی غیر از قانون یافت.

بنابراین کلیدواژه «مقررات» در این اصل آن گروه قوانینی را شامل می‌شود که مفاد آن قواعد و احکام جزایی اسلام (به جز قواعد مربوط به حدود شرعی) را به رشته تقنین درآورده است. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱، ۹ و ۱۰، اردبیلی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۱۵۱ و شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۳۱۲)

۵- «مقررات» به عنوان صورت جمع واژه «مقرره»

در برخی اصول قانون اساسی واژه «مقررات» به عنوان صورت جمع «مقرره» و در معنی احکام و قواعدی که در قالب هر نوع سند حقوقی مدون شده باشند استفاده شده است که می‌تواند حسب مورد عنوان قانون، آیین‌نامه و عناوین دیگری بر آن اطلاق شود. اصول ۱۰۸^۵ و ۱۱۲^۶ اصولی هستند که کلیدواژه «مقررات» در آنها در این معنا به کار رفته است.

در مذاکرات شورای بازنگری مقصود از ذکر عبارت «سایر مقررات» مندرج در اصل ۱۰۸ را پوشش دادن سایر قواعدی دانسته‌اند که در متن این اصل نیامده است. (مؤمن، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹: ج ۳: ۱۲۷۲ - ۱۲۸۳) توجه به اسناد حقوقی دربردارنده قواعد مندرج در این اصل از جمله مقررات مربوط به تعداد، شرایط و نحوه انتخاب خبرگان،^۷ گویای این نکته است که این اسناد نوع واحدی از هنجارهای حقوقی نبوده بلکه در قالب‌های متعددی چون قانون و آیین‌نامه تصویب شده‌اند.

راجع به «مقررات» در اصل ۱۱۲ وضعیت فعلی حاکم بر مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام^۸ در نظام حقوقی کشور مثبت استفاده «مقررات» در مفهوم یادشده است. چرا که قواعد و احکام حاکم بر این نهاد نه در نوع واحدی از اسناد که بلکه در اسناد متعددی چون آیین‌نامه و مقررات آمده است.

۶- «مقررات» در مفهوم احکام شرع

منطوق اصول قانون اساسی و شواهد روشنگری چون مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، بیانگر این نکته‌اند که دانش‌واره «مقررات» در صدر اصل ۱۷۰^۹ در مفهوم احکام شرع استفاده شده است. به این معنی که مقصود از ذکر کلیدواژه «مقررات» در صدر این اصل بیان احکام شرع می‌باشد.

راجع به «مقررات» در صدر اصل ۱۷۰ در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی نمایندگان مقصود از ذکر واژه «مقررات» را تلاشی در جهت ممانعت از اجرایی شدن آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مغایر با احکام شریعت دانسته و این تلاش را مکمل و در راستای مقصود اصل ۴ تعریف کرده‌اند تا آنگونه که اصل ۴ تلاشی در جهت ممانعت از ایجاد مقررات مغایر شریعت است، صدر اصل ۱۷۰ نیز سازوکاری است تا از اجرایی شدن آن گروه تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌هایی که مفاد آنها مغایر با احکام شریعت اسلام است جلوگیری شود. البته هدف دیگر این متن به بیان برخی نمایندگان مجلس بررسی نهایی جلوگیری از اجرای مقررات مصوب قبل از انقلاب و مغایر با احکام شرع بوده است. (منتظری، طاهری خرم‌آبادی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۶۵۵)

مؤید مفهوم مطرح شده از «مقررات» در صدر اصل ۱۷۰، مفاد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۰ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ است. از منطوق عبارات بند یک از ماده ۱۲ قانون یاد شده^{۳۰} این گونه به ذهن متبادر می‌شود که الفاظ «شرع» و «قانون» در این ماده جایگزین عبارت «قوانین و مقررات اسلامی» مندرج در اصل ۱۷۰ قانون اساسی شده‌اند.

مباحث مطرح شده در این مدخل نشان داد که از جمله نکات مهم در ارائه تفاسیر مناسب از اصول قانون اساسی، مشخص کردن مفهوم مشترکات لفظی در هر یک از اصول این قانون است؛ چرا که این گروه واژگان در اصول مختلف قانون اساسی معانی خاصی را افاده می‌کند. موضوعی که عدم توجه به آن تفاسیر ناصواب و نامتناسب با ابعاد نظام حقوق اساسی نتیجه خواهد داد. همچنان که برآیند این مدخل نشان داد که کلیدواژه «مقررات» در اصول قانون اساسی در پنج مفهوم به قرار زیر استعمال شده است.

الف) هنجارهای الزام‌آور حقوقی خارج از قلمرو شمول مصوبات مجلس

ب) مصوبات شوراهای محلی

پ) مصوبات برخی ارکان قوه مجریه

ت) مصوبات همه مقامات و نهادهای صالح مقررات‌گذاری در قوه مجریه

ث) قوانین عادی

ج) به عنوان جمع «مقرره» و بیان احکام حاکم بر یک موضوع

چ) احکام شریعت مقدس اسلام

فهرست منابع

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۹، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم و چهارم
۲. اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، جلد اول و دوم و چهارم
۳. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: میزان، چاپ هفدهم
۴. امامی، محمد، استوار سنگری، کورش (۱۳۹۱)، حقوق اداری، تهران: میزان، چاپ اول، جلد دوم
۵. امین، حسن، (۱۳۹۱)، تاریخ حقوق ایران، دایرةالمعارف ایران شناسی، چاپ سوم
۶. آیین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، ۱۳۸۸/۱۲/۲، رئیس مجلس شورای اسلامی
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۸۶، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، تهران: گنج دانش، چاپ سوم
۸. حسن، انوری ۱۳۸۶، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۷، تهران: انتشارات مهارت، چاپ چهارم
۹. حسینی خامنه‌ای، محمد، (پاییز و زمستان ۱۳۶۹)، «اصل چهارم قانون اساسی»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، فرهنگ متوسط، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: ویراستار، چاپ ششم
۱۲. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷)، حقوق اداری، سمت، چاپ پانزدهم
۱۳. عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق اداری، تهران: دادگستر، چاپ دوم
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، حقوق اساسی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول
۱۵. قانون اساسی مشروطه، ۱۲۸۵
۱۶. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۰/۹/۲۲، مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۲/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۷. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۱، مجلس شورای اسلامی
۱۸. قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه

- با مسئولیت رئیس مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۲/۲۶، مجلس شورای اسلامی
۱۹. متمم قانون اساسی مشروطه، ۱۲۸۶
۲۰. مجلس شورای اسلامی - دفتر هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین (۱۳۸۹)، نظرات رئیس مجلس شورای اسلامی راجع به مصوبات دولت (در اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی) ۱۳۷۲-۱۳۷۴، مجلس شورای اسلامی - دفتر هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین، چاپ اول.
۲۱. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۱)، حقوق کیفری در اسلام، المهدی، چاپ اول
۲۲. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۴)، مجموعه نظرات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری (۱۳۶۱-۱۳۸۳)، تهران: دادگستر، چاپ اول
۲۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، (۱۳۹۲/۹/۲۳)، بررسی اصل ۱۳۸ قانون اساسی (موضوع جلسه ۲۵ و ۲۶ مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی)، شماره مسلسل ۱۳۹۲۰۰۷۴
۲۴. مزارعی، غلامحسین، (۱۳۹۲)، جهات ابطال مصوبات دولت در دیوان عدالت اداری و شورای نگهبان، خرسندی، چاپ اول
۲۵. معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و پنجم، جلد چهارم.
۲۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، جلد بیستم
۲۷. موسی زاده، رضا، (۱۳۸۹)، حقوق اداری (۱-۲)، تهران: میزان، چاپ دوازدهم وفادار، علی، (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، وفادار، چاپ سوم

یادداشتها

۱. مصوبات قوه مجریه (مقصود ارکان این قوه اعم از هیأت وزیران، شورای عالی اداری و سایر نهادها و مقامات صالح در وضع مقررات در قوه مجریه است) و هیأت دولت شامل آیین نامه، بخش نامه و عناوینی از این قبیل می شود. البته مصوبات جزئی و موردی هیأت دولت و سایر ارکان قوه مجریه در شمول واژه «مقررات» قرار نمی گیرند.
۲. کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.
۳. «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند»
۴. «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد»
۵. «... محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»
۶. برای رعایت اختصار در ادامه با عبارت مذاکرات بررسی نهایی خواهد آمد.
۷. مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی تواند خلاف موازین شرع باشد ...
۸. برای نمونه نظریه ۳۳۷۱ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۱ فقهای شورای نگهبان مبنی بر عدم مغایرت ماده ۴۵ آیین نامه اجرایی قانون ثبت املاک مصوب وزیر دادگستری با شریعت مقدس
۹. برای نمونه نظریه شماره ۸۱/۳۰/۲۰۷۰ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ فقهای شورای نگهبان مبنی بر عدم مغایرت بند ۲ بخش نامه شماره ۱۴۹ سازمان تأمین اجتماعی با شرع مقدس
۱۰. برای نمونه نظریه شماره ۱۰۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۴/۲۴ فقهای شورای نگهبان مبنی بر عدم مغایرت ماده ۴ آیین نامه بیمه و بازنشستگی سردفتران و دفتریان اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۴ رئیس قوه قضائیه با شرع انور
۱۱. برای مطالعه نظرات فقهای شورای نگهبان رجوع شود به مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۴)، مجموعه نظرات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری (۱۳۶۱-۱۳۸۳)، تهران: دادگستر، چاپ اول
۱۲. «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد»
۱۳. «طبق دستور قرآن کریم: "و امرهم شوری بینهم" و "شاوهم فی الامر" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند»

۱۴. «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند...»

۱۵. «... مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب»

۱۶. «علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد»

۱۷. برای نمونه نظریه شماره ۸۲۴/ب مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۸ رئیس مجلس مبنی بر اعلام مغایرت تصویب‌نامه شماره ۲۳۰۸۲/ت مورخ ۱۳۷۳/۶/۱۹ هیأت وزیران با قانون بودجه سال ۱۳۷۳ و نظریه شماره ۱۰۳۴/ب مورخ ۱۳۷۴/۷/۲۸ رئیس مجلس راجع به مغایرت آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳۰ قانون بودجه ۱۳۷۴ به شماره ۱۱۴۸/ت مورخ ۱۳۷۴/۲/۶ دولت با قانون محاسبات عمومی (برای مشاهده نظرات بیشتر رجوع شود به: مجلس شورای اسلامی - دفتر هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین (۱۳۸۹)، نظرات رئیس مجلس شورای اسلامی راجع به مصوبات دولت (در اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی) ۱۳۷۲-۱۳۷۴، چاپ اول

۱۸. «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند»

۱۹. البته باید توجه داشت که در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که در نهایت در راستای تشخیص مصلحت در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، واژه «دولت» در مفهوم عام نهادهای حاکمیتی تلقی شده است.

۲۰. «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است... کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام»

۲۱. «... علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

۲۲. این معنا را می‌توان از مفاد قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن نیز دریافت.

۲۳. برای نمونه نظریه شماره ۱۴۹۱/ب مورخ ۱۳۷۶/۲/۱ رئیس مجلس مبنی بر مغایرت اساسنامه صندوق رفاه دانشجویان (مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲ دولت) با قانون بودجه ۱۳۶۴ یا نظریه شماره ۹۳۵/ب مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۰ رئیس

مجلس مبنی بر مغایرت اساسنامه شرکت سهامی خاص خدمات حمایتی کشاورزی (مصوب ۱۳۷۳/۵/۱۹ دولت) با قانون تفکیک وظایف وزارت خانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی. برای مشاهده نظرات بیشتر رجوع شود به مجلس شورای اسلامی - دفتر هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین (۱۳۸۹)، نظرات رئیس مجلس شورای اسلامی راجع به مصوبات دولت (در اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی) ۱۳۷۲-۱۳۷۴، مجلس شورای اسلامی - دفتر هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین، چاپ اول

۲۴. «مدون» در لغت در معانی چون «جمع کرده شده، فراهم آمده در کتاب و شعر و مجموعه مطالب مرتب شده» (معین، ۱۳۸۸: ج ۳: ۳۷۷۱)، «فراهم شده» (انوری، ۱۳۸۶: ج ۷: ۶۸۲۸)، «گردآوری شده و مکتوب در دیوان، در کتاب و دفتر نوشته شده» (دهخدا، ۱۳۸۵: ج ۲: ۲۶۴۹) ذکر شده است. اما این واژه در واژه‌نامه حقوقی و در ترکیب عبارت «مدونه قوانین» با مفهوم «مجموعه قوانین و کتابچه قانون» برابر دانسته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ج ۵: ۱۳۲۹۲).

۲۵. «قانون» مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

۲۶. «... مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

۲۷. مقررات مربوط به مجلس خبرگان در اسنادی چون قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۳۵۹/۷/۱۰ مصوب فقهای شورای نگهبان، آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب ۱۳۶۱/۷/۱۸ شورای نگهبان و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان مصوب ۱۳۵۹/۷/۱۰ مصوب فقهای شورای نگهبان آمده است.

۲۸. آیین‌نامه داخلی مجمع مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۱۴ و مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۰

۲۹. «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.»

۳۰. حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است ۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و نهادهای عمومی غیر دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مبطرو
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



آدرس: تهران، خیابان شهید سپهد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir